

همدلی باحزن نی انبان جنوب

انکیسا خدیشی

مدیرمسئول



۲

روزنامه
سام

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۴۷ | پخشیه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payamnews.ir

بمب برخاطره‌های چابهار

عبدالرضا عابدیان

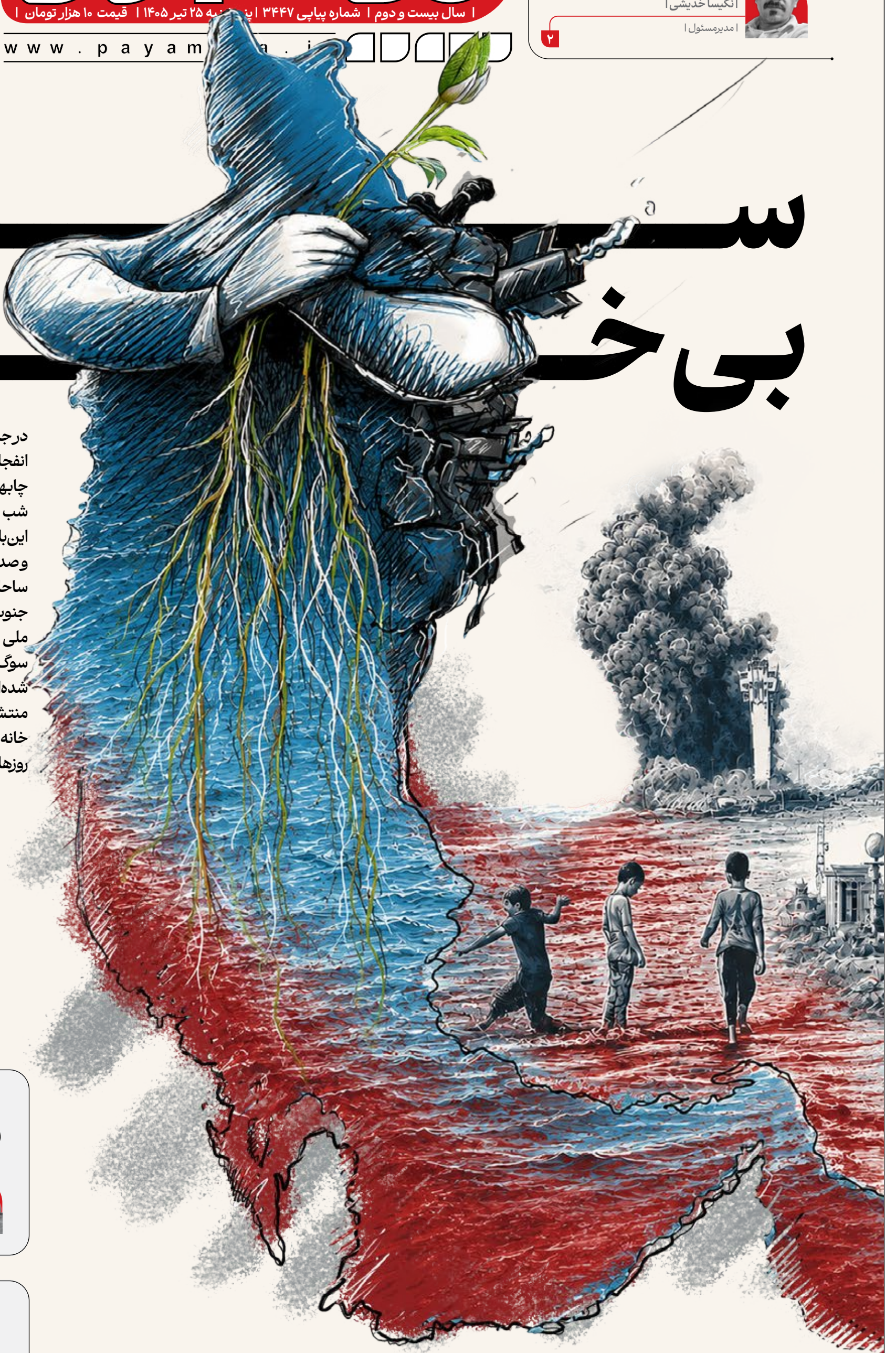
پژوهشگر فرهنگی



۳

ساحل بی‌خواب

در جنوب، شب دیگر زمان خواب نیست، فاصله میان دو انفجار است. از آبادان و بندرعباس تا قشم، سیریک، چابهار و بمپور، مردم روز را با اضطراب آغاز می‌کنند و شب را با صدای پدافند و موشک به پایان می‌رسانند. این بار اما اینترنت قطع نشده و راه‌های ارتباطی باز است و صدای همدلی مردم ایران، بلندتر از هیاهوی جنگ به ساحل می‌رسد. همدلی‌ای که در نغمه‌ها و موسیقی‌های جنوب جان گرفته و داغ مردم این خطه را به اندوهی ملی بدل کرده است. خانواده محیط‌زیست ایران نیز در سوگ خانواده محیط‌بانی نشسته که قربانی این حملات شده‌اند. «پیام‌ما» امروز با روایتی از این ساحل بی‌خواب منتشر شده است. برای نزدیک‌تر شدن به مردمی که خانه‌هایشان لرزیده، عزیزانشان را از دست داده‌اند و در روزهای داغ تابستان، چشم انتظار آرامش مانده‌اند.



حمله به تنها پاسگاه منطقه حفاظت‌شده طارم هرمزگان، جان اعضای یک خانواده را گرفت

سه قربانی جنگ در خانه محیط‌بان

۳

جنگ در جنوب کشور آثار باستانی را تاکنون هدف نگرفته اما لنج‌ها، اسکله‌ها و اقتصاد گردشگری ساحلی را با بحرانی جدی روبه‌رو کرده است

گردشگری جنوب از نفس افتاد

۴

حمله به سیلوی گندم هویزه

نان در خط مقدم

اشبیم مسعودی

روزنامه‌نگار



۲

مسئولیت فراموش‌شده جامعه جهانی در برابر جنگ‌های آلاینده

نازیلا حقیقتی

مشاور مسئولیت اجتماعی اتاق ایران



۳

کودکان هنگام از شیرجه در دریا تاشنیدن صدای انفجار

ابراهیم رفیعی

عکاس و کنشگر میراث فرهنگی



۴

یادداشت

همدلی با حزن نی‌انبان جنوب



انکیسا خدیشی‌ا

امدیومستول‌ا



تاریخ این سرزمین کمتر با مردمانش مهربان بوده است. مدام فرزندانش را به برزخ درد و امید انداخته است؛ به‌ویژه این روزها که آسمانش را دود گرفته و دلش را غبار حمله‌ای تازه سیاه کرده است. هر بار می‌گویم دیگر به این زخ‌ها عادت کرده‌ایم، اما بزنگاه‌ها هرگز مطابق قاعده ما پیش نمی‌روند. باز شبی از راه می‌رسد که آسمان بوشهر یا بندرعباس بوی باروت می‌دهد و دل مردمانی که به دریا خو کرده‌اند، دوباره می‌لرزد.

در همین شب‌هاست که صدایی برمی‌خیزد؛ نه از سیاست و نه از فریادهای تند و ملتهب، بلکه از ساز جنوب، از دریا. نی‌انبان تاله می‌کشد، دهل‌ها ضربان قلب جمعی را زنده نگه می‌دارند و آوازی برمی‌خیزد که گویی نفس خود این خاک است. این موسیقی فقط موسیقی جنوب نیست؛ رگی است که در تن همه ما جاری است.

حمله‌های اخیر به تأسیسات نظامی و مناطق ساحلی جنوب، از بوشهر و بندرعباس تا خوزستان، چاهار و جنوب کرمان، زخمی تازه بر تن مردمان دریا دل نشانند. با این حال، صدای موسیقی جنوب بار دیگر مانند مرهمی زنده بر همان زخم نشسته است. این موسیقی زاده طبیعتی تقدیده و سوزان است؛ سرشار از شور و حرارت و همان نیروی حیاتی که هیچ حمله‌ای نتوانسته از این مردم بگیرد. ریتم‌های کوبه‌ای آن، مانند امواج خلیج فارس، قلب را به تپش درمی‌آورد. ردپای تاریخ هجرت‌ها، تجارت‌ها و سختی‌ها در هرت آن موج می‌زند.

سازهای جنوب اما جادویی‌اند. نی‌انبان با صدای پرنطین و ناله‌مانندش، گویی فریاد جدایی دریانوردانی است که از ساحل دور شده‌اند یا ناله مادرانی که فرزندانشان را به دریا سپرده‌اند. دمام، تمپو و دهل، ریتمی جمعی می‌سازند که هیچ‌کس را بیرون از دایره همبستگی نمی‌گذارد. اشعارشان ساده‌اند، اما در همین سادگی، دریا، عشق، جدایی و زندگی پرتلاطم نشسته است. در لایه‌های پنهان‌تر این موسیقی، همان جزئی حضور دارد که همیشه جنوب را تعریف کرده است؛ شادی‌ای که پوسته‌اش شور است و مغزش آندوه، درست مانند مردمانی که در گرمای طاقت‌فرسا و میان موج‌های خروشان، همچنان ایستاده‌اند.

این ویژگی‌ها تصادفی نیست. موسیقی جنوب، برخلاف فرم‌های نخیه‌گرایانه، مردمی و مشارکتی است. ریشه در زندگی واقعی دارد و در بحران‌ها، به جای برکنده‌کردن، مردم را گرد هم می‌آورد. همان‌طور که در سال‌های جنگ تحمیلی، جنوب پیشانی مقاومت بود و نغمه‌هایش روحیه می‌بخشید، امروز نیز همین گرما و همین حزن، درد مشترک را به همدلی ملی بدل کرده است. این موسیقی زخم‌های تازه را لمس می‌کند و در همان لمس، امید به ایستادگی را زنده نگه می‌دارد.

اکنون در فضای مجازی که این‌بار- دست‌کم تا این لحظه- قطع نشده است، این صدا بلندتر از همیشه پیچیده است. کلیپ‌های نی‌انبان و رقص بندری، ویدئوهای همخوانی مردمی، شمال و جنوب این سرزمین را به هم‌گره زده‌اند. همدلی با هموطنان جنوبی، مانند موجی گرم و انسانی در حال جاری‌شدن است. صداهای تند و ملتهب حامی احتمالی جنگ، در میان این نت‌های پرشور و غمگین گم می‌شوند. گویی ریتم‌های جنوب با همان قدرت احساسی همیشگی خود، آن فریادها را کنار زده‌اند و جای آن‌ها را به همخوانی ملی داده‌اند.

این موسیقی فقط نوا نیست؛ روایت زنده مقاومت فرهنگی است. گرمایش، قلب‌های سرد از فاصله را گرم می‌کند و جزش، اشک همدردی را جاری می‌سازد. در این روزهای سخت، وقتی جنوب دوباره زخم می‌خورد، شنیدن این صدا بیش از هر سخنرانی ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند. موسیقی جنوب فریاد می‌زند: «ما یکی‌ایم» و این سرزمین با تمام وجود، به سبک بوشهری خوش‌آمد می‌گوید و پاسخ می‌دهد: «هله مالی».

مهر از شنیده شدن صدای انفجار در ایرانشهر و بمپور خبر داد و گزارش‌هایی نیز درباره حمله دوباره به برج مراقبت دریایی چابهار منتشر شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه‌ای از شهادت هفت نفر از کارکنان نیروی زمینی ارتش در شهرستان بمپور خبر داد.

ارتش در اطلاعیه خود اعلام کرد: «ارتش تروریستی آمریکا بامداد امروز با شلیک ۱۳ فروند موشک، آسایشگاه و محل اسکان یکی از پادگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بمپور را هدف قرار داد. بنا بر این گزارش، دشمن متجاوز آسایشگاه، مهمانسرا و اماکن نگهدانی پادگان را با هدف وارد کردن بیشترین تلفات انسانی هدف حمله قرار داد.»

در ادامه این اطلاعیه آمده است: «با وجود گستردگی حمله و شدت اصابت موشک‌ها که با هدف وارد کردن بیشترین تلفات انسانی انجام شد، به دلیل رعایت اصول پدافند غیرعامل و تدابیر اتخاذشده، از افزایش تلفات جلوگیری شد. در جریان این حمله، هفت نفر از کارکنان پایور و وظیفه تیپ ۳۸۸ ایرانشهر به شهادت رسیدند و تعدادی از کارکنان نیز مجروح شدند که تحت درمان قرار دارند.»

هم‌زمان، «فاطمه مهاجرانی»، سخنگوی دولت، در حساب کاربری خود در شبکه ایکس از شهادت بیش از ۳۰ شهروند غیرنظامی در حملات اخیر به مناطق جنوبی کشور خبر داد.

او نوشت: «در حملات روزهای اخیر به جنوب کشور، بیش از ۳۰ تن از شهروندان غیرنظامی به شهادت رسیدند. ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خانواده‌های داغدار، یاد جان‌باختگان را گرمی می‌داریم. دولت با تمام توان در کنار مردم خواهد بود. جنوب ایران، قلب تپنده این سرزمین است.»

حملات ایران به مواضع آمریکا

از سوی دیگر، حملات ایران به مواضع و امکانات نظامی آمریکا در کشورهای عربی منطقه نیز در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ادامه یافت. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه شماره ۱۴ خود اعلام کرد: «سکر ارتباطات ماهواره‌ای، رادار دفاع موشکی و هواپی، مجتمع پدافند هوایی پاتریوت، آمادگاه پایگاه نظامی آمریکا و سکوها‌ی پرتاب موشک‌های مارس در کویت منهدم شدند.»

سپاه هم‌چنین در اطلاعیه‌ای دیگر از حمله به آشیانه هواپیماهای آمریکایی خبر داد و اعلام کرد: «مجاهدان نیروی هوافضای سپاه با حمله متقابل به پایگاه آمریکا در الازرق، در موج ششم عملیات نصر ۲، آشیانه جنگنده‌های اف ۱۵، اف ۱۶ و اف ۳۵ را هدف قرار دادند و تعدادی از پهپادهای راهبردی MQ-۹ آمریکا در این پایگاه را از بین بردند.»

این نیرو در اطلاعیه شماره ۱۲ خود نیز اعلام کرد که در موج پنجم عملیات نصر ۲، مرکز مدیریت ان‌اس‌آی، مرکز کنترل فرماندهی، انبارهای بزرگ قطعات و تجهیزات نظامی و مخازن سوخت ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین هدف حمله قرار گرفته و منهدم شده‌اند.

در همین راستا، ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از اجرای مرحله هشتم عملیات «صاعقه» و حملات پهپادی علیه پایگاه‌های آمریکا در منطقه خبر داد

و اعلام کرد: «محل استقرار جنگنده‌های اف ۱۸ و سوله‌های بزرگ تجهیزات ارتش آمریکا در پایگاه الازرق اردن، برای دومین بار، هدف حملات پهپادهای انهدامی قرار گرفت.»

از بامداد دوشنبه ۲۲ تیرماه، اطراف اهواز، بهبهان، دزفول، امیدیه، اندیمشک، ماهشهر، آبادان و اطراف شادگان هدف حملات قرار گرفته است. در همین حال، محمد دستور رئیس روابط عمومی اداره‌کل ورزش و جوانان استان خوزستان، از شهادت «اصغر سردارپور»، ورزشکار آبادانی، در پی حملات به آبادان خبر داد.

هرمزگان در جنگ

شهروندان هرمزگانی در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، روز خود را با صدای انفجار آغاز و به پایان رساندند. به گزارش «پیام ما» و به نقل از مهر، شامگاه سه‌شنبه ۲۳ تیرماه، نقطه‌ای در حوالی شهر بندرعباس هدف اصابت پرتابه‌های متناسب به آمریکا قرار گرفت. استانداری هرمزگان این اصابت را در پیگیری‌های انجام‌شده تأیید کرد.

به گفته مقامات استانداری هرمزگان، حملات شامگاه سه‌شنبه تلفات جانی در پی نداشت. با این حال، از نخستین ساعات بامداد چهارشنبه ۲۴ تیرماه، نقطه‌ای در جزیره قشم نیز هدف پرتابه قرار گرفت. همچنین بین ساعت ۱ و ۳۵ تا ۱ و ۴۰ دقیقه بامداد ۲۴ تیر ۱۴۰۵، صدای چهار انفجار نسبتاً قوی از سمت شرق شهر قشم شنیده شد.

این خبرگزاری همچنین به نقل از منابع محلی از شنیده شدن صدای انفجار در اطراف شهرستان سیریک در بامداد چهارشنبه خبر داد. به نظر می‌رسد این صداها مربوط به تبادل آتش و وقوع درگیری‌هایی در پهنه آبی خلیج فارس، دریای عمان و تنگه هرمز باشد.

شهرستان سیریک در دهانه تنگه هرمز قرار دارد و طی روزهای گذشته، بنادر صیادی و دکل‌های مخابراتی این منطقه هدف حمله قرار گرفته‌اند.

بامداد چهارشنبه نیز نقطه‌ای در حوالی شهرستان حاجی‌آباد هدف اصابت پرتابه قرار گرفت. این خبر از سوی استانداری هرمزگان تأیید شد. همچنین بر اساس اعلام منابع مسئول، در حملات جدید به برخی نقاط استان هرمزگان، از جمله شهرستان حاجی‌آباد، تاکنون هیچ مصدوم غیرنظامی یا خسارتی به زیرساخت‌های مسکونی و تجاری گزارش نشده است.

حاجی‌آباد روز سه‌شنبه نیز شاهد حمله به یک پایگاه محیط‌بانی بود که در پی آن سه نفر از اعضای خانواده یک محیط‌بان به شهادت رسیدند.

لغو امتحانات نهایی در هرمزگان

تداوم حملات موجب شد استانداری هرمزگان با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش، امتحانات نهایی در این استان را لغو کند.

به گزارش ایستا، «محمد آشوری تازیانی»، استاندار هرمزگان، در این باره اظهار کرد: «طبق پیگیری‌های انجام‌شده در دولت و وزارت آموزش و پرورش، امتحانات پایه دوازدهم که برای پنجشنبه ۲۵ برنامه‌ریزی شده بود و همچنین امتحانات پایه یازدهم که قرار بود شنبه ۲۷ تیر برگزار شود، در استان هرمزگان لغو و به زمان دیگری موکول شد.» او افزود: «این تصمیم با هدف تأمین آرامش روانی دانش‌آموزان و ایجاد عدالت آموزشی در سطح استان اتخاذ شده است. تاریخ جدید برگزاری این امتحانات متعاقباً از سوی آموزش و پرورش استان اعلام خواهد شد.»

آشوری تازیانی همچنین تأکید کرد: «وضعیت سایر امتحانات پیش‌رو در اطلاعیه‌های بعدی اعلام می‌شود.» شهادت کارکنان ارتش در سیستان و بلوچستان روز چهارشنبه گزارش‌هایی از حملات به سیستان و بلوچستان منتشر شد. در همین راستا، خبرگزاری



ا تسنیم

تجاوز به آسمان جنوب کشور در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه همچنان ادامه داشت

ساحلِ بی‌خواب

پیام ما | در حالی که ایران روزهای گرم و تابستانی خود را سپری می‌کند، جنوب کشور این روزها در تب جنگ به سر می‌برد و مردم روز و شب خود را با صدای انفجار آغاز و به پایان می‌رسانند. به گفته سخنگوی دولت، حملات اخیر تاکنون جان بیش از ۳۰ غیرنظامی را گرفته است. از سوی دیگر، در حمله آمریکا به یکی از پادگان‌های نیروی زمینی ارتش، هفت نفر از کارکنان پایور و وظیفه به شهادت رسیدند.

آب معدنی در بخش موسیان با سه پرتابه هدف قرار گرفته که این حمله خسارت مالی به همراه داشته، اما تلفات جانی گزارش نشده است. تجاوز به تأسیسات نظامی و غیرنظامی خوزستان «ولی‌الله حیاتی»، معاون امنیتی و انتظامی استانداری خوزستان، روز سه‌شنبه از اصابت پرتابه به نقاطی در آبادان و بندرامام خمینی و وقوع دو انفجار در ماهشهر خبر داد.

او گفت: «ساعت ۱۳ و ۲۵ دقیقه نقطه‌ای در شهرستان آبادان مورد اصابت پرتابه‌های دشمن آمریکایی قرار گرفت که گزارش تکمیلی پس از ارزیابی‌های اولیه اعلام خواهد شد.»

حیاتی افزود: «ساعت ۳ بامداد نیز نقطه‌ای در بندر امام خمینی مورد اصابت پرتابه‌های دشمن آمریکایی قرار گرفت. همچنین ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه روز سه‌شنبه ۲۳ تیرماه، نقطه‌ای در حوالی ماهشهر با پرتابه‌های دشمن آمریکایی هدف قرار گرفت که دو انفجار شدید به دنبال داشت.»

این مقام امنیتی استان خوزستان همچنین از حمله به نقاطی در اطراف اهواز حمیدیه و دشت آزادگان در شامگاه سه‌شنبه خبر داد و اظهار کرد: «سه نقطه در اطراف شهرستان اهواز نقطه‌ای در هویزه و یک نقطه در دشت آزادگان مورد تهاجم و اصابت پرتابه‌های دشمن آمریکایی قرار گرفت.» به گفته او، این حملات تلفات جانی در پی نداشته است؛ هرچند پیش‌تر از مجروح شدن دو نفر در شهرستان امیدیه در پی این حملات خبر داده شده بود.

جنگ آمریکا علیه ایران در جنوب کشور طی روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ادامه یافت و دامنه آن به شهرهای دیگری همچون بمپور و ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان کشیده شد. از سوی دیگر، برخی گزارش‌ها از شنیده شدن صدای انفجار در شهرستان دهلران استان ایلام و غرب کشور حکایت دارد.

به گزارش «پیام ما» و به نقل از مهر، از ساعات پایانی شب سه‌شنبه ۲۳ تیرماه، صدای چند انفجار در شهرهای بمپور و چابهار در استان سیستان و بلوچستان شنیده شد؛ جزئیات این حادثه هنوز اعلام نشده است. کمی بعد، پدافند هوایی اطراف نیروگاه اتمی بوشهر فعال شد، هرچند فرماندار بوشهر اعلام کرد اصابتی در این منطقه گزارش نشده است.

استانداری هرمزگان نیز از تبادل آتش در تنگه هرمز و شنیده شدن صداهایی در بندرعباس، شهرستان‌های ساحلی و جزایر خلیج فارس خبر داد. در حاجی‌آباد هرمزگان، اصابت یک پرتابه به نقطه‌ای در حومه شهر تأیید شد و در سیریک، واقع در دهانه تنگه هرمز، صدای چند انفجار از فاصله دور شنیده شد.

همچنین در استان‌های خوزستان و ایلام نیز اهداف غیرنظامی هدف حمله قرار گرفتند. استانداری خوزستان از اصابت پرتابه به دو انبار غلات و آرد گندم در دشت آزادگان و هویزه خبر داد. فرماندار دهلران نیز اعلام کرد یک واحد تولید

یادداشت

نان در خط مقدم

حمله به سیلوی گندم «هویزه» نشان داد با وجود قوانین بین‌المللی برای حفاظت از منابع غذایی در جنگ، زیرساخت‌های تأمین غذا همچنان هدف حملات قرار می‌گیرند

آسیب‌پذیرترین حوزه‌ها در هر کشور تبدیل می‌شود.

شاید به همین دلیل است که جامعه جهانی پس از تجربه دو جنگ جهانی و پیامدهای ویرانگر آنها، تلاش کرد برای امنیت غذایی مردم در زمان جنگ خط قرمز تعیین کند. در پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های ژنو، گرسنه نگه‌داشتن غیرنظامیان به‌عنوان یک روش جنگی ممنوع اعلام شده است. همچنین حمله به منابعی که بقای مردم به آنها وابسته است، از جمله مزارع، محصولات کشاورزی، منابع آب، شبکه‌های آبیاری و تأسیسات مرتبط با تأمین غذا، منع شده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز تأکید می‌کند که زیرساخت‌های ذخیره و توزیع غذا، از جمله سیلوهای غلات، در صورتی که در تأمین غذای غیرنظامیان نقش داشته باشند، باید از حملات نظامی مصون بمانند.

اما واقعیت جنگ‌ها اغلب از متن قوانین فاصله دارند.

جنگ روسیه و اوکراین نشان داد که حمله به بنادر صادرات غلات و انبارهای ذخیره، فقط یک کشور را هدف قرار نمی‌دهد؛ بلکه امنیت غذایی جهان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در غزه، سازمان‌های بین‌المللی بارها درباره نابودی زیرساخت‌های تأمین غذا و خطر گرسنگی گسترده هشدار داده‌اند. در تیگرای اتیوپی نیز گزارش‌های متعددی از تخریب مزارع، نابودی محصولات کشاورزی و محروم شدن مردم از دسترسی به غذا منتشر شد. این جنگ‌ها از نظر سیاسی هیچ شباهتی به یکدیگر ندارند، اما یک وجه مشترک دارند؛ در همه آنها، امنیت غذایی به بخشی از میدان نبرد تبدیل شده است.

این تجربه‌ها یک پرسش مهم را پیش روی ما می‌گذارند؛ اگر چنین حملاتی ممنوع است، چرا



اشینم مسعودی‌ا

اروزنامه‌نگارا

در هر جنگی، نخستین نگرانی مردم، پیروزی یا شکست نیست؛ نان است. تاریخ بارها این واقعیت را ثابت کرده است. از محاصره شهرها در جهان باستان تا جنگ‌های امروز، غذا همواره یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار بر طرف مقابل بوده است؛ گاهی با سوزاندن مزارع، گاهی با قطع مسیرهای تأمین آذوقه، گاهی با تخریب زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و گاهی با محاصره اقتصادی. جنگ، امنیت غذایی را نیز هدف قرار می‌دهد.

خبر حمله به یک سیلوی ذخیره گندم در شهرستان هویزه را باید از همین زاویه دید. این حمله خوشبختانه تلفات جانی نداشت، اما سیلو تنها یک سازه بتنی نیست. سیلو بخشی از زنجیره تأمین غذای مردم یک کشور است؛ جایی که محصول یک سال تلاش کشاورزان برای تأمین سفره مردم نگهداری می‌شود.

این سیلو تنها قربانی زنجیره غذا در جنگ اخیر نبوده است. گزارش‌های متعددی از آسیب به مزارع، واحدهای دامپروری و انبارهای ذخیره غذا در طول جنگ چهل‌روزه منتشر شد. همچنین تأثیر خسارت به صنایع مادر کشور، از جمله فولاد و پتروشیمی، بر روند تأمین کالا و هزینه تمام‌شده غذا مورد بررسی قرار گرفت.

هر آسیبی به چنین زیرساخت‌هایی، حتی اگر تأثیر فوری بر بازار نداشته باشد، یادآوری می‌کند که امنیت غذایی نیز مانند انرژی، آب یا شبکه حمل‌ونقل، در زمان جنگ به یکی از

امنیت غذایی

یک زنجیره است

زنجیره‌ای که از آب‌و‌خاک

آغاز می‌شود، به مزرعه

سیلو، کارخانه، جاده

بندر، شبکه توزیع و بازار

می‌رسد. اگر یکی از این

حلقه‌ها از کار بیفتد

حتی تولید فراوان هم

نمی‌تواند امنیت غذایی

را تضمین کند

حمله به تنها پاسگاه منطقه حفاظت‌شده «طارم» هرمزگان، جان اعضای یک خانواده راگرفت

سه قربانی جنگ در خانه محیط‌بان

سازمان حفاظت محیط‌زیست از پیگیری حقوقی این حمله به‌عنوان «جنایت جنگی» خبر می‌دهد



افغانی (۳)



افاطمه باباخانی ا

اروزنامه‌نگار ا

دوشنبه عصر حال فاطمه جعفرپور خوب نبود. پیش از رسیدن شب، حالش بدتر شد. جواد حسن‌زاده به پسرش مهدی گفت که باید مادرش را به بیمارستان ببرد و در شرایط جنگی بهتر است اونیز همراهشان باشد. مهدی ترجیح داد در خانه بماند. مهرشاد از این موضوع باخبر شد و با همسرش الناز صحبت کرد. هر دو تصمیم گرفتند در این شب‌های جنگ، مهدی را تنها نگذارند. آنها به خانه پدر رفتند.

مشخص نیست تا ساعت ۲ بامداد بیدار بودند یا خواب؛ آنچه روشن است، این واقعیت است که محیط‌بان پاسگاه محیط‌بانی سیدجوذر، دو پسر ۲۳ ساله و ۴۰ ساله‌اش و عرویش را ساعت ۲ بامداد سه‌شنبه ۲۳ تیر از دست داد و سگووار آنها شد.

خبر رایی‌ا از اقوام محیط‌بان به او داد. به اوگفت که اتفاقی در حوالی خانه‌اش رخ داده است. جواد حسن‌زاده وقتی به نزدیکی پاسگاه رسید، دیگر نه فرزندی داشت، نه خانه‌ای به

ا یادداشت |

مسئولیت فراموش‌شده جامعه جهانی

در برابر جنگ‌های آلاینده



ا نازیلا حقیقتی ا

ا مشاور مسئولیت اجتماعی اتاق ایران ا

در جنگ، همیشه نخست انسان‌ها نمی‌میرند. گاهی پیش از آن، آب می‌میرد، هوا زخمی می‌شود و طبیعت، بی‌آنکه در صدر خبرها بنشیند، آهسته از نفس می‌افتد. جنگ پیش از آنکه در میدان‌ها پایان یابد، در لایه‌های نامرئی زندگی ادامه پیدا می‌کند؛ در ریه شهرها، در بستر دریاها و در خاکی که دیگر مانند گذشته نفس نمی‌کشد.

در روزهای پس از حملات به زیرساخت‌های انرژی در ایران و منطقه، تهران تنها شهری مضطرب نبود؛ شهری بود که چیزی ناشناخته را تنفس می‌کرد. دوده‌ای که بر شیشه خودروها نشست، بر برگ درختان خولید و در پوست شهر نفوذ کرد، صرفاً بقایای یک انفجار نبود. این دوده نشانه عبور جنگ از مرزهای نظامی و ورود آن به قلمرو زیست بود؛ جایی که دیگر نمی‌توان میان «امنیت» و «محیط‌زیست» مرز روشن ترسیم کرد.

در جنوب، خلیج فارس بود و نه امکان گریز از پیامدهایش را داشت. گرفت؛ پهنای نیمه‌بی‌سسته، شکننده و تاریخی که پیش از این نیز زیر بار توسعه‌صنعتی، گروایش زمین‌تردسنگین نفتشک‌ها، تخریب زیستگاه‌های ساحلی و آلودگی مزمن قرار داشته است. این بار اما جنگ نیز بر دوش آن نشست؛ جنگی که نه انتخابش در جنوب، خلیج فارس بود و نه امکان گریز از پیامدهایش را داشت. در این میان، آنچه بیش از شعله‌ها اهمیت دارد، سکوتی است که پیرامون این نوع ویرانی شکل گرفته است؛ سکوتی جهانی در برابر خسارتی که در چارچوب‌های رایج حقوقی و اخلاقی به‌سختی قابل صورت‌بندی است. جهان سال‌ها درباره تغییرات اقلیمی، انقراض گونه‌ها و بحران‌های سیارای سخن گفته است، اما هنگامی که تخریب محیط‌زیستی ناشی از جنگ رخ می‌دهد، حساسیت‌ها به‌طرز معناداری کاهش می‌یابد. گویی محیط‌زیست در زمان جنگ، ناگهان از دستور کار اخلاقی و رسانه‌ای جهان خارج می‌شود. این یادداشت تلاشی است برای بازخوانی جنگ از زوایای دیگر؛ نه از منظر پیروزی و شکست نظامی، بلکه از منظر سرمایه طبیعی، عدالت زیست‌محیطی و حق بنیادین زیستن در محیطی سالم؛ حتی که در جنگ‌های آلاینده، اغلب نخستین قربانی خاموش است.

❖ زخم‌هایی که پس از پایان انفجار آغاز می‌شوند

برخلاف تصور رایج، جنگ‌های مدرن در لحظه انفجار پایان نمی‌یابند؛ بلکه تازه آغاز می‌شوند. خاموشی آتش، پایان روایت نیست؛ بلکه آغاز فرایندهای کُند، پنهان و طولانی‌مدتی است که در ریه شهرها، رسوبات دریا، زنجیره‌های غذایی و حافظه اکولوژیک سرزمین‌ها ادامه می‌یابد.

در روایت رسمی از دگرگونی‌های اخیر منطقه‌ای، تمرکز اغلب بر

محیط‌زیست

منطقه حفاظت‌شده طارم هرمزگان را مصداق دیگری از

جنایات محیط‌زیستی آمریکا دانست.

رضا رستگار فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست، نیز در پیام تسلیت خود به موضوع حضور خانواده حسن‌زاده در پاسگاه پرداخت و دلیل آن را کمبود نیروی انسانی و فاصله زیاد برخی مناطق تحت مدیریت سازمان از شهرها و مراکز جمعیتی عنوان کرد. به گفته او، این شرایط باعث شده است تعدادی از محیط‌بانان به همراه خانواده‌هایشان در پاسگاه‌های محیط‌بانی سکونت داشته باشند.

او در پیام خود اطلاعاتی نیز درباره منطقه حفاظت‌شده طارم ارائه کرد؛ منطقه‌ای با وسعت حدود ۲۰ هزار هکتار که در فاصله حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شهر حاجی‌آباد و ۱۵۰ کیلومتری شمال بندرعباس قرار دارد و زیستگاه گونه‌های ارزشمند پستانداران، پرندگان و خزندگان است.

رستگار گفت: «پاسگاه محیط‌بانی سیدجوذر تنها پاسگاه این منطقه بود که در این حمله به‌طور کامل تخریب و تجهیزات آن نیز از بین رفت.»

فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست با تسلیت این ضایعه به خانواده داغدار جامعه محیط‌بانی و مردم استان هرمزگان، به پیامدهای جنگ بر محیط‌زیست اشاره کرد. به گفته او، از ابتدای جنگ تاکنون چندین مرکز مرتبط با حوزه محیط‌زیست بر اثر حملات هوایی آسیب دیده‌اند.

او افزود: «جنگ همواره با ویرانی همراه است و علاوه بر خسارت‌های انسانی، آثار مخرب و ماندگاری بر محیط‌زیست

بر جای می‌گذارد.»

فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست استان هرمزگان همچنین از پیگیری حقوقی این حمله در نهادهای بین‌المللی به دلیل «جنایت جنگی» خبر داد. بر اساس مقاله‌ای حقوقی منتشرشده در مجله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با عنوان «حفاظت از محیط‌بانان در مناطق درگیری: پیوند حقوق بشردوستانه و حقوق محیط‌زیست»، هیچ بخشی از محیط‌زیست طبیعی نباید مورد حمله قرار گیرد، مگر آن‌که هدفی نظامی باشد.

در بخش دیگری از این مقاله آمده است: «بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی، که با محدود کردن آثار جنگ از کسانی که در مخاصمات شرکت نمی‌کنند یا دیگر شرکت ندارند حمایت می‌کند و ابزارها و روش‌های جنگ را محدود می‌سازد، محیط‌بانان به‌عنوان غیرنظامی طبقه‌بندی می‌شوند و بنابراین از حمله مصون هستند؛ مگر در دوره‌هایی که مستقیماً در مخاصمات شرکت داشته باشند.» این پیشش همچنان مطرح است که آیا در محدوده این پاسگاه یا اطراف آن فعالیت نظامی انجام می‌شد؟ شریفی می‌گوید: «دلیل حمله به پاسگاه برای ما روشن نیست. در آن اطراف هم تأسیسات نظامی وجود ندارد.»

فارغ از اینکه خانه حسن‌زاده دوباره ساخته شود یا نه و فارغ از اینکه شهادت فرزندانش به‌عنوان جنایت جنگی ثبت شود یا نه، او و خانواده‌اش تا همیشه داغدار جوانان جنگ خواهند ماند. سرنوشت آنها یادآور سروده فردوسی در سوگ فرزندش است:

«برفت و غم و رنجش ایدر بماند

دل و دیده من به خون درنشانَد»

پیدا می‌کند؛ کسانی که کمترین نقش را در تصمیم‌گیری دارند، بیشترین بار پیامدها را تحمل می‌کنند. بازتعریف مفهوم قربانی جنگ، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. قربانی صرفاً انسانی نیست که زیر آوار مانده باشد. قربانی می‌تواند یک اکوسیستم باشد که به‌تدریج فرو می‌یاشد. یک جامعه ساحلی باشد که معیشتش تحلیل می‌رود، یا نسلی باشد که هزینه تصمیم‌های امروز را در آینده‌ای آلوده‌تر می‌پردازد.

❖ مسئولیت فراموش‌شده جامعه جهانی

در سطح بین‌المللی، پرسش اساسی این است: چه کسی مسئول است؟

سازمان‌های بین‌المللی محیط‌زیست، از جمله برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP)، در چنین بحران‌هایی نقشی حیاتی در پایش، مستندسازی و ارزیابی خسارات دارند. با این حال، سازوکارهای موجود برای مواجهه با تخریب محیط‌زیست در زمان جنگ همچنان پُرکندۀ، غیرالزام‌آور و اغلب بی‌فهم هستند.

در سال‌های اخیر، مفهومی «اکوسیباد» به‌عنوان چارچوبی برای جرم‌انگاری تخریب گسترده محیط‌زیست مطرح شده است؛ تلاشی برای قرار دادن آسیب شدید به اکوسیستم‌ها در کنار جنایت جنگی و نسل‌کشی در حقوق بین‌الملل. با این حال، این مفهوم هنوز به‌طور کامل در نظام حقوقی بین‌المللی تثبیت نشده است. با وجود این، مسئولیت جامعه جهانی تنها حقوقی نیست؛ بلکه اخلاقی و توسعه‌ای نیز هست. آلودگی‌های دریایی و هوایی در جنگ‌ها امری نزنشاسند می‌توانند به‌صورت فرامرز بر امنیت غذایی، سلامت عمومی و اقتصاد منطقه‌ای اثر بگذرانند. آنچه امروز غایب است، سازوکاری واقعی برای پاسخگویی محیط‌زیستی در زمان جنگ است: پایش مستقل وفوری؛ مستندسازی ملمی خسارات؛ تشکیل کمیته‌های حقیقت‌یاب زیست‌محیطی؛ و حرکت جهانی به سمت جرم‌انگاری تخریب گسترده اکوسیستم‌ها در قالب «اکوسیباد».

❖ توسعه پایدار در سایه جنگ

اگر جامعه جهانی حمله به زیرساخت‌های انرژی را صرفاً از منظر نظامی تحلیل کند و هزینه‌های زیست‌محیطی آن را نادیده بگیرد، در عمل توسعه پایدار را به مفهومی محدود به زمان صلح تبدیل کرده است. در حالی که محیط‌زیست دقیقاً در زمان جنگ، بیش از هر زمان دیگری به حمایت حقوقی، اخلاقی و علمی نیاز دارد.

شاید بزرگ‌ترین آزمون مفهوم توسعه پایدار نه در زمان آرامش، بلکه در لحظه‌های بحران رقم بخورد.

❖ پرسشی که باقی می‌ماند

جنگ‌ها پایان می‌یابند، اما اثراتشان در محیط‌زیست ادامه دارد. دوده از سطح شهر پاک می‌شود، اما همیشه از ریه‌ها نه. نفت از سطح آب جمع می‌شود، اما بخشی از آن در رسوبات باقی می‌ماند.

و شاید روزی جهان ناچار شود با این پرسش روبه‌رو شود:

وقتی دریا می‌سوخت و هوا تیره بود، توسعه پایدار دقیقاً در کدام سوی تاریخ ایستاده بود؟

و آیا جهان، پیش از آن‌که هزینه‌های زیست‌محیطی جنگ غیرقابل بازگشت شوند، مسئولیت خود را بر رسمیت خواهد شناخت؟

منبع: ایران پرتویوم

ا خبر |

سخنگوی وزارت امور خارجه:

حمله به پست محیط‌بانی

هرمزگان، نمونه جدیدی از

جنایات جنگی آمریکا است

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، حمله به پست محیط‌بانی روستای سیدجوذر شهرستان حاجی‌آباد در استان هرمزگان را محکوم کرد و آن را «نمونه جدیدی از جنایات جنگی آمریکا» خواند. او در این پیام نوشت: «فهرست جنایات آمریکا علیه ایرانیان هر روز طولانی‌تر می‌شود و هر روز که می‌گذرد، آمریکا پرده جدیدی از کینه‌توزی خود علیه ایران را نشان می‌دهد.»

افزود: «بامداد سه‌شنبه، ارتش آمریکا به یک پست محیط‌بانی در روستای سیدجوذر شهرستان حاجی‌آباد در شمال هرمزگان حمله کرد و سه عضو خانواده آقای جواد حسن‌زاده، محیط‌بان، را به شهادت رساند.»

سخنگوی وزارت امور خارجه این حادثه را «جدیدترین نمونه از جنایات جنگی آمریکا طی چهار ماه و نیم اخیر» توصیف کرد و مدعی شد این روند با «ترور رهبران و کودکان و زنان و مردان ایران در تهران، میناب، لامرد و دیگر مناطق در ۹ اسفند ۱۴۰۴» آغاز شده است.

او تأکید کرد: «هر جنایت جدید، عزم ایرانیان را برای پیگیری اجرای عدالت و محاکمه و مجازات عاملان و آمران این جنایات مصمم‌تر می‌کند.»

ا

ضرورت تولید محتوای

حرفه‌ای در عصر

جنگ روایت‌ها

دیپرکل روایت عمومی و امور رسانه سازمان حفاظت محیط زیست با تأکید بر نقش مهم روابط عمومی‌ها در عصر جنگ روایت‌ها گفت: «رسانه همچنان مهم‌ترین ابزار انگذار بر افکار عمومی است و روابط عمومی‌ها باید با تقویت مهارت‌های حرفه‌ای، تولید محتوای دقیق و بهره‌گیری از ابزارهای نوین، نقش مؤثرتری در این میدان ایفا کنند.»
مهران کریمی صبح امروز در نشست و کارگاه آموزشی ملی تخصصی ر‌ؤسای روابط عمومی حفاظت محیط زیست کشور در تبریز ضمن تسلیت شهادت اعضای خانواده یکی از محیط‌بانان استان هرمزگان در حمله اخیر رژیم صهیونیستی، از میزبانی اداره‌کل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی و برگزارکنندگان این رویداد قدردانی کرد. او با اشاره به تغییرات سریع در حوزه ارتباطات افزود: «در عصر جنگ روایت‌ها، تولید محتوای حرفه‌ای، آموزش مستمر و استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای ضرورتی انکارناپذیر است. روابط عمومی‌ها باید بتوانند با شناخت دقیق فضای رسانه‌ای، روایت‌های معتبر و اثرگذار تولید کنند.»
کریمی همچنین هوش مصنوعی را یکی از فرصت‌های مهم پیش روی روابط عمومی‌ها دانست و گفت: «این فناوری می‌تواند در تولید محتوا، تحلیل داده‌ها و پایش رسانه‌ها نقش مؤثری داشته باشد، اما باید در خدمت خلاقیت، تفکر و قضاوت حرفه‌ای انسان قرار گیرد و هرگز جایگزین آن نشود.»
مدیرکل روابط عمومی و امور رسانه سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرد: «فناوری زمانی می‌تواند به توسعه ارتباطات کمک کند که در کنار توانمندی‌های انسانی به کار گرفته شود؛ چراکه شناخت مخاطب، درک شرایط اجتماعی و خلق روایت‌های مؤثر همچنان نیازمند نگاه انسانی است.»

ا

کاهش سهم مناطق

حفاظت‌شده ایلام

از میانگین کشوری

معاون محیط‌زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرد: «سهم مناطق حفاظت‌شده در استان ایلام حدود ۷.۵ درصد از مساحت استان است؛ رقمی که همچنان با استاندارد ۱۰ درصدی کشوری فاصله دارد.»

احمدرضا لاهیجان‌زاده در آیین تکریم و معارفه مدیران‌کل پیشین و جدید حفاظت محیط‌زیست استان ایلام، با اشاره به ظرفیت‌های طبیعی این استان گفت: «ایلام با گستردای نزدیک به ۴۰ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی بیش از ۶۰۰ هزار نفر، از تنوع زیستی و ویژگی‌های محیط‌زیستی ارزشمندی برخوردار است و این ظرفیت‌ها می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی مردم کمک کند.»

او تأکید کرد: «مدیریت پسماند و حفاظت از عرصه‌های طبیعی باید با جدیت بیشتری دنبال شود و محدوده‌های شکار ممنوع استان نیز با پیگیری‌های استانی به مناطق چهارگانه حفاظت‌شده ارتقا یابد تا زیستگاه‌های ارزشمند ایلام برای نسل‌های آینده حفظ شود.»
لاهیجان‌زاده با اشاره به چالش‌های محیط‌زیستی کشور، برداشت بیش از توان از منابع آب زیرزمینی، تخریب جنگل‌ها و مدیریت نادرست منابع آب را از عوامل آسیب به طبیعت ایران دانست و وقت پیامدهای این روند در بحران‌هایی مانند دریاچه ارومیه قابل مشاهده است.

خبرازش |

جنگ در جنوب کشور آثار باستانی را تاکنون هدف نگرفته، اما لنج‌ها، اسکله‌ها و «اقتصاد گردشگری ساحلی» را با بحرانی جدی روبه‌رو کرده است

گردشگری جنوب از نفس افتاد

جنگ در جنوب کشور بار دیگر آغاز شده و آسیب‌های گسترده‌ای به معیشت مردم وارد کرده است. در این شرایط دشوار گردشگری هم در استان‌های جنوبی متوقف شده و فعالان این حوزه دیگر امید چندانی ندارند که حتی در صورت توقف جنگ، بتوانند در فصل آوج گردشگری، یعنی زمستان، این صنعت را از رکود خارج کنند. تا زمان انتشار این گزارش، هیچ خبری درباره آسیب مستقیم به آثار باستانی در استان‌های جنوبی منتشر نشده است و کنشگران میراث فرهنگی در این استان‌ها اعلام کرده‌اند که آثار تاریخی سالم مانده‌اند. با این حال، هیچ تضمینی وجود ندارد که میراث فرهنگی در ادامه از آسیب‌های احتمالی جنگ در امان بمانند. از سوی دیگر، شماری از لنج‌های مردم جنوب که بخشی از میراث دریایی در حال فراموشی و همچنین ابزار امرار معاش دریانوردان و صیادان هستند، در جریان حملات آسیب‌دیده با سوخته‌اند.



اصبای رضایی | روزنامه نگار

گردشگری متوقف شده است

اگرچه آثار تاریخی جزیره قشم تاکنون آسیب مستقیمی ندیده‌اند، اما برخی لنج‌ها آتش گرفته، اسکله‌ها آسیب دیده و فعالیت‌های گردشگری به‌طور کامل متوقف شده است.

«علی پوزن»، فعال میراث فرهنگی و مدیر پروژه «سرزوروما»، در گفت‌وگو با «پیام ما» می‌گوید: «آثار تاریخی در روستای گوران و به‌طور کلی جزیره قشم آسیب ندیده‌اند، اما گردشگری به‌شدت آسیب دیده است. زمانی که جنگ رخ می‌دهد، فعالیت‌های گردشگری عملاً متوقف می‌شود، اقامتگاه‌ها خالی از مسافر می‌شوند و تورلیدرها نیز یکار می‌شوند؛ موضوعی که اقتصاد قشم را تحت تأثیر قرار داده است.»

او ادامه می‌دهد: «اگرچه آثار تاریخی، محوطه‌های باستانی و جاذبه‌های طبیعی جزیره آسیب ندیده‌اند، بخشی از زیرساخت‌های منطقه، به‌ویژه اسکله‌ها، از پیامدهای جنگ تأثیر پذیرفته‌اند. حتی برخی اسکله‌های صیادی نیز آسیب دیده‌اند و خسارت‌های وارد شده در نهایت متوجه مردم محلی شده است. در برخی مناطق، لنج‌های چوبی و قایق‌های صیادی بر اثر اصابت ترکش‌ها آتش گرفتند و از بین رفتند. در نتیجه، مردم عادی بیشتری آسیب را متحمل شدند؛ بسیاری از آنها امکان ادامه فعالیت اقتصادی خود را از دست دادند یا درآمدشان به‌شدت کاهش یافت. سوختن قایق‌ها و



تاریخ

خبر |

بمب‌بر خاطره‌های چابهار



عبدالرضا عابدیان | پژوهشگر فرهنگی

چابهار بود و بوی شرعی دریای بزرگ و کوچکش. وقتی در فروگاه کنارک از هواپیما بیرون می‌آمدی، بوی تاریخ به مشام می‌رسید. چابهار زمزمه همه بلوچستان

رویداد |

مشق‌هایی که ناتمام ماندند

رویداد فرهنگی هنری «مشق ناتمام» یادنامه‌ای برای بیش از ۴۰۰ کودک ایرانی است؛ کودکانی که جنگ، پیش از آنکه فرصت نوشتن ادامه رؤیاهایشان را پیدا کنند، دفتر زندگی‌شان را بست.

این رویداد در پل طبیعت تهران برگزار می‌شود؛ جایی که قرار است تصاویر کودکان جان‌باخته در جنگ، روایتگر قصه‌هایی باشد که در میان بازی‌های نیمه‌تمام، رنگ‌های مدرسه و آرزوهای کودکانه متوقف شدند. «مشق ناتمام» با اجرای نمایش، موسیقی، برنامه‌های تعاملی برای کودکان و خانواده‌ها و آیین شمع افروزی، تلاش می‌کند یاد این کودکان را زنده نگه دارد.

این برنامه به روایت حسین پارسایی و با حضور هنرمندانی از حوزه‌های تجسمی، نمایش و موسیقی و تهیه‌کنندگی محمدصادق میکربیمی برگزار می‌شود. تصاویر بیش از ۴۰۰ کودک در سراسر پل طبیعت به نمایش درمی‌آید تا هر رگه‌گر، لحظه‌ای درنگ کند و به یاد بیاورد پشت هر عدد و آمار جنگ، زندگی انسانی ناتمام مانده است.

«مشق ناتمام» تا شنبه ۲۷ تیر، هر شب از ساعت ۲۰ تا ۲۳ در پل طبیعت تهران برپا خواهد بود و حضور در این رویداد برای عموم آزاد و رایگان است. / ایلنا

دبیر محیط زیست؛ فاطمه باباخانی
دبیر گزارش؛ مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری؛ فرزانه قبادی
دبیر خبر؛ یاسر مختاری
دبیر صفحه آخر؛ صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر؛ علی ملازاده
صفحه‌آرایی؛ آتنا شریف‌زاده
کارتنویست؛ مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات؛ محمد زز
اداری؛ فاطمه آقامالیی، شیوا کوی

یادداشت |

می‌کنند؛ «این شرایط، امنیت گردشگری را در کل منطقه، از بندرعباس تا سواحل پرتفرده‌ای مانند لاوان، شیدور و هندورابی، گردنه مقام، مکسر و ناپبند و همچنین پهنه گردشگری سواحل مکران تا مرز ایران و پاکستان، با پرسش‌های جدی مواجه کرده است. گردشگری پیش از زیرساخت، به امنیت و مهم‌تر از آن، احساس امنیت در میان گردشگران نیاز دارد.»

به گفته دهدار حتی اگر تلاش شود با واژه‌هایی مانند «تاب‌آوری اجتماعی» یا استفاده از تعابیری مانند «اصابت پرتابه» به جای اشاره مستقیم به حملات، شرایط عادی جلوه داده شود، در میدان اقتصاد گردشگری، رکود و آسیب به معیشت جامعه میزبان کاملاً قابل مشاهده است. او درباره ساختار اقتصادی هرموزگان نیز توضیح می‌دهد: «این استان حدود ۲ میلیون نفر جمعیت و ۱۳ شهرستان دارد که ۹ شهرستان آن ساحلی هستند. بخش قابل توجهی از جمعیت این مناطق به اقتصاد دریا و فعالیت‌های محلی وابسته‌اند. هرچند بخشی از این اقتصاد با صنعت و خدمات لجستیکی پیوند دارد، اما دست‌کم بخشی از جمعیت هرموزگان به اقتصاد گردشگری و بازارهای وابسته به حضور مسافران گره خورده است.» دهدار با اشاره به وضعیت جزایر گردشگری جنوب می‌گوید: «در سه جزیره قشم، کیش و هرمز که در مجموع حدود ۲۵۰ هزار نفر جمعیت ثابت دارند، بخش قابل توجهی از معیشت مردم به حضور گردشگران و اقتصاد دریا وابسته است. تلاطم این فعالیت‌ها بیش از هر چیز به تأمین امنیت نیاز دارد.»

او درباره آسیب‌پذیری جزایر نزدیک به تنگه هرمز نیز معتقد است: «جزایر قشم، هرمز، لارک و هنگام به دلیل نزدیکی به کانون‌های تنش، بیش از دیگر مناطق آسیب اقتصادی و روانی را تجربه کرده‌اند؛ جزایری که از مهم‌ترین مقاصد گردشگری دریایی ایران به شمار می‌روند.» به گفته دهدار فرصت بازگشت به شرایط عادی محدود است؛ «اگر زیرساخت‌های آسیب‌دیده در ۹۰ روز زایل‌ند، یعنی پیش از آغاز ماه آبان که شروع فصل آوج گردشگری جنوب است، بازسازی نشوند، به‌تنها فصل طلایی گردشگری از دست خواهد رفت، بلکه ممکن است جامعه ساحلی با یک بحران اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو شود.»

او معتقد است اگرچه میراث فرهنگی و جاذبه‌های طبیعی منطقه از آسیب‌های مستقیم در امان مانده‌اند، اما گردشگری تقریباً به‌طور کامل متوقف شده است. سفر به میناب و از میناب به دیگر نقاط کشور به‌شدت کاهش یافته و فعالیت‌های گردشگری عملاً از رونق افتاده است. عباس‌زاده درباره وضعیت حمل‌ونقل دریایی می‌گوید: «فعالیت بنادر، به‌ویژه بنادر مجاز با محدودیت و تعطیلی مواجه شده است. بندر شهید رجایی نیز از جمله زیرساخت‌هایی است که در این شرایط تحت تأثیر قرار گرفته، هرچند آثار تاریخی منطقه آسیب ندیده‌اند.»

هرمزگان فصل طلایی گردشگری را از دست می‌دهد؟

«مهدی دهدار»، پژوهشگر توسعه دریامحور در تحلیل وضعیت بحرانی گردشگری و اقتصاد ساحلی در استان‌های هرمزگان، بوشهر و سیستان و بلوچستان به «پیام ما» می‌گوید: «بر اساس آمار رسمی اعلام‌شده از سوی مدیرکل میراث فرهنگی هرمزگان، شرایط جنگی مانع سفر حدود ۴۰۵ میلیون گردشگر به این استان شده و معیشت ۱۲ هزار شاغل مستقیم صنعت گردشگری را مختل کرده است.»

او با اشاره به وابستگی بالای گردشگری هرموزگان به دریا، تأکید می‌کند: «۸۳ درصد گردشگری هرموزگان متکی به دریاست و اگر زیرساخت‌های آسیب‌دیده ظرف یک یا دو ماه آینده بازسازی نشوند، این استان فصل طلایی گردشگری خود در پاییز و زمستان پیش‌رو را به‌طور کامل از دست خواهد داد.»

به گفته دهدار، مسئله پیش‌آمده صرفاً یک رکود اقتصادی کوتاه‌مدت نیست، بلکه «بحران معیشتی» ناشی از بی‌ثباتی است. او توضیح می‌دهد: «تنش‌های اخیر در نوار ساحلی و نزدیکی دریگری‌ها به جزایر چهارگانه تنگه هرمز که از مقاصد پرتفردهار گردشگری دریایی ایران هستند، اعتماد گردشگران برای سفر به این مناطق را به‌شدت کاهش داده است.»

این پژوهشگر آغاز رکود گردشگری جنوب را مربوط به ماه‌های گذشته می‌داند و می‌گوید: «از هفته نخست دی‌ماه، هم‌زمان با آغاز تنش‌های امنیتی و اجتماعی پس از اعتراضات بازاریان در جزیره قشم، تا نهم اسفنده و آغاز جنگ و پیامدهای پس از آن، صنعت گردشگری جنوب ایران با رکود مواجه شده است. این رکود تنها به بازار گردشگری ایران محدود نمانده و بر اقتصاد گردشگری مناطق شمالی و جنوبی خلیج فارس و حتی کشورهای همسایه جنوبی ایران مانند قطر و امارات نیز اثر گذاشته است. در مجموع، تجربه اقتصاد دریایایه در سواحل و جزایر ایرانی دچار گسست شده است.»

او معتقد است با نزدیک شدن به پایان تیرماه و ورود جنوب کشور به فصل کم‌رونق اقلیمی، این منطقه با رکودی چندماهه مواجه شده و نه‌تنها گردشگری، بلکه بازارهای محلی، مجتمع‌های تجاری و سایر بخش‌های وابسته به اقتصاد دریا را نیز تحت فشار قرار داده است.

دهدار درباره خسارت به شناورهای نیز می‌گوید: «هدف قرار گرفتن دهه لنج و قایق در اسکله‌های صیادی و گردشگری و غرق‌شدن شناورهای تفریحی چندمیلیاردی، تنها خسارت به سرمایه مردم نیست؛ بلکه به معنای از بین رفتن ابزار تولید اقتصادی و بخشی از میراث تمدنی و دانش بومی است. وقتی بر اساس آمار رسمی مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری هرموزگان، «سدتم ۱۱ لنج آسیب می‌بینند، در واقع زیرساخت معیشتی هزاران نفر از ساکنان ساحلی کشور که به اقتصاد دریا وابسته‌اند، در معرض آسیب قرار می‌گیرد.»

او با اشاره به گستره جغرافیایی این آسیب‌ها اضافه

کودکان «هنگام» از شیرجه در دریا تاشنیدن صدای انفجار



ابراهیم رفیعی | عکاس و کنشگر میراث فرهنگی



چند روز پیش در فضای مجازی، ویدئویی از «ارمیا»، پسرپنج‌ه‌ای از جزیره هنگام دیدم. در این ویدئو از او درباره روزهای جنگ پرسیده بودند؛ از انفجارهایی که شنیده و آدم‌هایی که جانشان را از دست داده بودند. وقتی از او پرسیدند «ناراحت شدی؟» با تعجب جواب داد:

«آدم ناراحت نمی‌شه؟ آدم مرده، تو ناراحت نمی‌شی؟»

همین چند جمله کوتاه، مرا به عکس‌های هنگام برد؛ به قاب‌هایی که طی چند سال عکاسی از این جزیره ثبت کرده‌ام؛ به بچه‌ها، زن‌ها و آدم‌هایی که زندگی‌شان با دریا، کار و رفت‌وآمد مسافران گره خورده است.

«معاد» یکی از همان بچه‌هاست. او را در کودکی و نوجوانی دیدم؛ام، پسری که ساعت‌های زیادی از روزش کنار آب می‌گذشت و دریا بخش مهمی از زندگی‌اش بود. در عکس‌هایم، معاد را می‌بینم که با شوق خودش را به آب می‌سپارد؛ کودکی که آرام‌آرام با ششاکایک و فضای دریا بزرگ می‌شود.

«ملیحه»، صاحب کافه چپسکو، در همان حوالی کلپ دریایی داشت و به بچه‌های جزیره شنا و کایاک آموزش می‌داد. آنجا برای بسیاری از کودکان هنگام، جایی برای یاد گرفتن، تمرین کردن و ساختن خاطره‌های کودکی بود.

غروب‌های هنگام را بیشتر از هر جای دیگری از همان حوالی به یاد دارم. صندلی‌ها آرام‌آرام پر می‌شدند، نور خورشید روی آب می‌افتاد و بچه‌های جزیره از اسکله به دریا می‌زدند. شیرجه می‌فتند، شنا می‌کردند و برای بهتر پریدن با هم کل‌کل داشتند. گردشگرها دوربین به‌دست ابستاده بودند و بچه‌ها بی‌توجه به نگاه‌ها، دنیای خودشان را زندگی می‌کردند.

صبح‌های جزیره حال‌وهوای دیگری داشت. از ساعت شش صبح، بازارچه محلی هنگام آرام‌آرام باز می‌شد. زنان غرفه‌هایشان را آماده می‌کردند، نان محلی می‌پختند و محصولاتشان را برای فروش می‌چیدند. ظهر که می‌رسید، بوی ماهی و میگو در کوچه‌های اطراف می‌پیچید و بازارچه جان می‌گرفت. زندگی بسیاری از خانواده‌های هنگام در سال‌های گذشته با گردشگری می‌گذشت. مسافرانی که به جزیره می‌آمدند، برای قایق‌ها، اقامتگاه‌ها، غرفه‌های بازارچه و محصولات محلی رونق می‌آوردند و همین رفت‌وآمدها بخشی از چرخ زندگی مردم رامی‌چرخاند. چند ماهی است شرایط تغییر کرده است. رفت‌وآمدها کمتر شده و اثر آن در گوشه‌و‌کنار جزیره دیده می‌شود. بازارچه‌ها مانند گذشته شلوغ نیستند، بعضی کسب‌وکارها روزهای سخت‌تری را می‌گذرانند و خانواده‌هایی که درآمدشان به حضور گردشگران وابسته بود، با نگرانی بیشتری روزها را سپری می‌کنند. کودکان هم از این تغییرها دور نمانده‌اند. ارمیا از صدای انفجار حرف می‌زند و معاد در عکس‌هایم در روزهایی دیده می‌شود که دریا بخش بزرگی از کودکی‌اش بود. فاصله میان این دو تصویر، بخشی از حال امروز هنگام است.

وقتی نام هرموزگان در خیرها می‌آید، معمولاً تصاویرهایی از اتفاق‌های بزرگ دیده می‌شود؛ اما پشت هر خبر زندگی آدم‌هایی جریان دارد که صبح زود کاشان را شروع می‌کنند، با دریا روزگار می‌گذرانند و چشم به روزهای آرام‌تر دارند.

آرشیمو عکس‌هایم را که هر ورق می‌زنم، همان قاب‌ها دوباره پیش چشمم می‌آیند؛ بچه‌هایی کنار اسکله، زنانی در بازارچه، قایق‌هایی روی آب و کوچ‌هایی که ظهرها بوی ماهی و میگو می‌گرفتند.

حالا تصویر ارمیا هم به این قاب‌ها اضافه شده است؛ کودکی که با چند جمله ساده، بخشی از حال این روزهای جزیره را روایت کرد.

هر عکس، زمانی را نگه می‌دارد. گاهی سال‌ها بعد، همان قاب‌ها کمک می‌کنند بفهمیم آدم‌ها در روزهای دشوار چگونه زندگی کرده‌اند.

یادداشت |



روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صدیانی
دبیر عکس: یاسر خدیشی

تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰
شماره نمابر: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵

تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی – پلاک ۱۲ – طبقه اول
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲
تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

تلفن / ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰
تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صدیانی
دبیر عکس: یاسر خدیشی

تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰
شماره نمابر: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵

تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی – پلاک ۱۲ – طبقه اول
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲
تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

تلفن / ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰
تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

آگهی تجدید مناقصه ۱۱/۵۴/۵۴

- شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر در نظر دارد مجدداً از طریق مناقصه عمومی نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط " خرید یک ست پوسته کمپرسور اسکرو ساخت داخل مربوط به گاز سیل واحدهای احیا" در محل کارخانه سیرجان اقدام نماید.

- متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.gisdcocom، بخش مزایده ها و مناقصه ها مراجعه نمایند.

- نشانی محل تحویل مدارک:

۱- دفتر کارخانه به آدرس، کرمان، سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده شیراز، کیلومتر ۵ جاده اختصاصی، شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر، دبیرخانه کمیسیون معاملات - تلفن ۰۳۱۹-۳۱۹۴۰۷۶ - ۰۳۴.

۲- دفتر تهران به آدرس، میدان آرژانتین، خیابان لوند، خیابان سی و یکم غربی، پلاک ۲۲، کد پستی ۱۱۵۶۶۴۹۱۱۱-تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۹۷۶۷۰۴ نمابر: ۰۲۱-۸۸۱۹۹۴۰۳.

- مناقصه حاضر به صورت یک مرحله ای بوده، لذا مناقصه گران می بایست پاکت "الف"، "ب" و "ج" را شامل ضمانت نامه، پیشنهاد فنی و مالی در زمان و محل مقرر تحویل نمایند.

- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۰۳۴۳۱۲۹۴۰۷۶ و یا شماره تلفن ۰۹۱۳۷۱۷۸۰۴۷ بنام آقای حیدری نسب در روزهای شنبه ای چهارشنبه در ساعات اداری تماس حاصل فرمایید.

- بازدید از سایت محل پروژه "ازراهی نمی باشد" اما در صورت تمایل به بازدید جهت هماهنگی با آقای حیدری نسب با شماره فوق تماس حاصل فرمایید.

- همچنین پاسخ سولات فنی مناقصه گران که از طریق فرم aheidari@gisdcocom ارسال شده، در سایت بارگذاری خواهد شد.

- آخرین مهلت ارسال مدارک: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

شرکت توسعه آهن و فولاد گل گهر
GOLGHOR IRON & STEEL DEVELOPMENT CO.
دبیرخانه کمیسیون معاملات